

مبارزه طبقاتی در ایران

رهبری طبقه کارگر شرط لازم برای پیروزی انقلاب همگانی

(5)

کوه موش زانید

سخن برسر نتیجه « اصلاحات ارضی »؟! منویات چند گانه و مدرج « ملوکانه »! طرح شوم امپریالیسم آمریکا و شرکاء برای تقویت رژیم کودتا، پادو - شاهی پهلوی، استمرار خودکامگی سیاسی - بی حقوقی مطلق، ترور و اختناق و سرکوب ترقی خواهی در کشور ماست. از کوزه همان برون تراود که دروست...

بشنوید از نتایج این [اسهالات] دو مرحله ای - منویات متعفن « ملوکانه »! براساس گزارشات رسمی و مکتوب:

در فاصله سال های 1339 - 1350 خورشیدی، یعنی از اولین تلاش رسمی برای سازماندهی مساله ارضی در کشور، تعداد مالکانی که تا 50 هکتار یا بیشتر... زمین زراعی را در تملک خود داشتند، تقریباً دو برابر افزایش یافت و از 12/4 هزار به 23 هزار ارتقاء پیدا کرد؟! مساحت کل زمین هایشان هم از 1/554/700 هکتار در مجموع، به 3/238/000 هکتار رسید؟! یعنی جمعیتی معادل یک درصد مالکان در سال 1350 خورشیدی صاحب بیش از 20% درصد تمام زمین های زراعی کشور گردید؟! در مقابل، خرده مالکانی که کمتر از 2 هکتار زمین داشتند، یعنی تقریباً نیمی از مالکان روستائی، در سال 1350 خورشیدی فقط 5% درصد کل زمین های زراعی را صاحب شدند...

بموجب مدارک قابل دسترسی، از بیش از 3/6 میلیون خانوار روستائی در ایران، بر اثر « اصلاحات ارضی »! و تا سال 1353 خورشیدی، تقریباً 2/5 میلیون خانوار به اقساط زمین خریدند. و به این ترتیب، تقریباً 1/1 میلیون خانوار روستائی به صورت کارگران مزدور... در محل باقی ماندند. بهر حال، این هم تحولی بود - نوعی « ابتکار »! هماهنگ با منافع اقلیت ممتاز...

معدالک، تا همین حد هم، پرده ای از پرده های هزار لای اشرافی را بالا زد و با تائید قابلیت تغییر پذیری جامعه بر مبنای مناسبات تولیدی... گویا اعتبار کشف مارکس، مارکسیسم را بکلی « باطل کرد »! مثنی مهملات شاهانه و خررنگ کن از این دست. شما چه می فرمائید، حضرت روحانی؟ نشاشیدی شب درازه...

مثل اینکه قرار بود تا هزینه « اصلاحات ارضی » را با فروش کارخانه های دولتی تامین کنند؟! ولی بعد از مصادره شرکت ملی نفت... چه کسی حاضر بود برای کارگاههای ورشکسته و یا حتی کارخانه های نیمه باز و نیمه تعطیل دولتی پول خرج کند؟ نکته ظریفی که شاهن - شاه احمق و « عظیم الشان »! نمی فهمید... اما از دید طراحان پشت پرده « اصلاحات ارضی »! پنهان نماند و سوراخ دعا را یافتند - شرکت کارگران در سود کارخانه ها به خاطر افزایش بازدهی کار و رشد احتمالی تولید...

با تمام این تفاسیل، شواهدی هست مبنی بر اینکه مساله فروش کارخانجات دولتی، هرگز راه حل مناسبی نیافت و سرانجام تامین مالی « اصلاحات ارضی »! به منبع درآمد نفتی کشور وصل شد... بیخود نبود که ایران در فاصله کوتاهی؟! به سومین یا چهارمین صادر کننده نفت جهان تبدیل شد. چطور؟ خیلی ساده است. چون لازم بود رژیم کودتا، سوای هزینه « اصلاحات ارضی »! مخارج کلفت دربار برای عیاشی های « ملوکانه »! دارنگی « برازندگی »! اینها بجای خود. بیشتر جهت جبران کاهش محصولات کشاورزی، از نتایج شوم اصلاحات فرمایشی بسود صادرات عظیم کشاورزی کشورهای متروپیل، واردات انواع ماشین آلات، حتی بنجل و غیر ضروری... قدرت خرید کافی داشته باشد!؟

در باره کاهش محصولات کشاورزی در ارتباط با جمعیت قابل توجه خرده مالکان، کافی است گفته شود که تعداد زیادی از دهقانان - که از طریق « اصلاحات ارضی »!؟ صاحب زمینگی شده بودند! بدلیل فقدان وسائل و منابع مالی معتبر و بلند مدت... از سوئی توانائی تولید (نوع سرمایه داری آن)، یعنی همراه با سودی که لااقل تکرارش را تضمین نماید، نداشتند، و یا اگر هم، یک فرض محال، شانسی هم نصیبشان می شد...! قادر نبودند در برابر انواع کالاهای مشابه وارداتی که در و دیوار می بارید... مقاومت کرده و براحتی از پا در می آمدند. کم نبودند دهقانانی که پس از مضحکه « ارضی... »! حتی با وجود زمین های « اهدائی شاهن - شاه »! چقدر نفرت انگیز، از کشاورزی، کشت و کار و سکونت در روستاها بیزار شدند، مایوس و سرخورده، آواره و سرگردان، فرسنگها دور از خانواده در همان کلبه کلی و محقر، آشیانه نمناک فامیلی، با کلی بدهی، در حسرت گذشته می نالیدند.

تمام این حقایق تلخ و مکتوب گواهی می دهند که طرح شوم « متمدن ها »! استراتژی ویرانگر امپریالیسم آمریکا و شرکاء... متوجه نیروی زنده کار، مولد و متفکر، متوجه تاریخ سازان صبور و مغرور در جغرافیای سیاسی ایران بود، ولی در عمل، مضحکه « اصلاحات ارضی »! و به شکلی که پیاده شد، به اجرا در آمد (شرح فوق)، ضربه مهلکی هم به بازمانده مناسبات دیر پای ارباب - رعیتی در روستاهای کشور زد. با کوچاندن انبوهی از مالکان خرد و متوسطه، دهقانان میانه حال، کشاورزان بی زمین، خوش نشینان بسمت شهرهای بزرگ... پایگاه سنتی اشراف، یا هزار فامیل را، نه بکلی، که تا حدودی از اعتبار انداخت، موجب شد تا یک نیروی کار نسبتاً عظیم، صدها هزار، خیلی بیشتر از ظرفیت جذب صنایع موجود، در حلبی آباد و حصار آبادها... متمرکز گردد.

حاصل اقتصادی این مضحکه « ارضی »! بقول قاضی دوگلاس آمریکایی تحولی که قرار بود جلو شورش دهقانی را گرفته... و نگذارد به انقلابی کمونیستی منجر شود؟! یا بزعم آقای چستر باولز، مشاور کندی، به امثال کاسترو فرصت تعرض ندهد... در عمل، کارش گره خورد؟! و رژیم کودتا را - پس از اتمام مرحله اول « اصلاحات ملوکانه »! سقوط کامل کشاورزی سنتی، بر آن داشت تا برای رفع کمبود غله، تامین مایحتاج ضروری کشور... در کنار خریدهای کلفت تسلیحاتی و ماشین آلات صنعتی... 140 هزار تن گندم و 25 هزار تن ذرت از آمریکا، حتی 60 هزار تن گندم از شوروی... وارد کند. چرا؟! بشنوید از مارکس:

یک ملت فرضی که برای تامین غله از تجارت آزاد استفاده می کند... حتی اگر قیمت غله وارداتی فرقی با قیمت تولید داخلی آن نداشته باشد، باز هم این ملت معادل آن سرمایه ای که توسط کشاورز باز تولید نمی شود فقیر خواهد شد... نقل از مبنای نقد اقتصاد سیاسی. ابهام در کجاست؟

بیخود نبود، از قضا بدلیل خرید های احمقانه... پیش خور شدن درآمدهای نفتی، که در سال 1342 خورشیدی، محافل مالی و امپریالیستی منتظر سر کیسه شل کردند: بانک بین المللی عمران و توسعه 550 میلیون دلار، صندوق بین المللی پول 45 میلیون دلار و اداره عمران بین الملل آمریکا 17/4 میلیون دار... در مجموع معادل 612/4 میلیون دلار به دولت کودتا وام دادند. ضمن اینکه امپراتوری شوروی هم از قافله عقب نماند و با پرداخت وامی معادل 45 میلیون روبل برای ایجاد « ذوب آهن، نیروگاه برق، سد سازی و سیلو... »! موافقت کرد. ناگفته نماند که بخشی از تمام این وام های نسبتاً کلفت - موسوم به « اعتبارات خارجی »! که در اصل با هدف تخلیه انبارهای دول انحصاری رقیب داده می شدند؟! سوای تفریحات « ملوکانه »! صرف گشاد بازی های تبلیغاتی رژیم کودتا می گردید...

طبق آمار و ارقام رسمی، مبنی بر درآمد دولتی، بیش از 85% درصد آن نفتی، گویا تحول اقتصادی کشور در فاصله سال های 1339 - 1349 خورشیدی چشم گیر بود! حجم مطلق محصولات داخلی در سال های 41 و 42 و 51 و 52 خورشیدی از 340/4 میلیارد به 1226 میلیارد ریال افزایش داشت. و یا در جریان چهارمین برنامه 5 ساله، سال های 46 و 47 و 51 و 52 خورشیدی، رشد اقتصادی، سرانه تولید در ایران معادل 11/6% درصد گزارش شد! در مقایسه با سال های 50 - 51، حجم مطلق تولیدات داخلی در سال های 51 - 52 خورشیدی به 21/2 درصد بالغ گردید! یا در سال های 52 - 53 خورشیدی، حجم مطلق تولیدات داخلی افزایشی 36% درصدی و در سال های 53 - 54 خورشیدی، رشدی 42% درصدی پیدا کرد...؟!

حال فرض می کنیم که این گزارشات، آمار و ارقام « بی غرض و مرض باشند »! احتمالی که کلی جای حرف دارد. دربار پهلوی و دروغ... چه حرفا. پس در این صورت، با توجه به افزایش چشم گیر استخراج نفت در سال های فوق الذکر... تشخیص اینکه چطور رژیم کودتا ایران را اینهمه « متحول کرد »! اصلا برای عقل سلیم دشوار نیست. در سال 1342 خورشیدی میزان نفت استخراجی کشور فقط 72/8 میلیون تن گزارش شد، ولی در سال 1353، تا 302 میلیون تن افزایش پیدا کرد! و یا در سال 1354 خورشیدی، با وجود اندکی کاهش نسبت به سال ماقبل، به 268 میلیون تن رسید...

بشنوید از نوسانات بودجه دولتی در ارتباط با افزایش و کاهش استخراج نفت خام. در سال 1342 خورشیدی، 45/6% درصد بودجه دولتی با درآمد نفت پوشانده می شد، معادل 27/7 میلیارد ریال. اما در سال 1350، که درآمد نفتی همراه با افزایش میزان استخراج تا 155/6 میلیارد ریال بالا رفت. سهم بودجه دولتی هم از این مبلغ تا 60% درصد ارتقاء پیدا کرد. یا در سال 1354 خورشیدی، که قیمت هر بشکه نفت بالا رفت، درآمد نفتی ایران را تا 1478/7 میلیارد ریال افزایش داد... 82/6% درصد از بودجه کشور از همین منبع تامین می شد...

در همین دوران بود، زمانی که رژیم کودتا سهمیه سرانه محصولات داخلی را در فاصله سال های 53 - 54 خورشیدی، سوای حقه بازی های آماری... 1274 دلار در سال گزارش می داد! جمعیت کثری از مردم شریف و زحمتکش ایران هنوز در بیغوله ها، حلبی آبادها و حصیر آبادها... می لولید، حتی برای یک وعده غذای نسبتا گرم و مناسب، آه می کشید...! اقتصاد برای اقتصاد، جدا از نیازهای مصرفی، مادی و معنوی مردم، مستقل از زیست جمعی انسان ها حرف مفت است...

